

خیراله تیموری
مرکز تحقیقات قوه قضائیه، قم

درآمدی بر پیشگیری از وقوع جرم

و من احياها فکانما احيا للناس جميعا^۱
یا کمیل: ما من حركة الا وانت محتاج فيها الى معرفة.^۲
به هر حال عمل همواره در پی نظر می‌آید هر چند با آهستگی و گام به گام.^۳

مقدمه

برای بیان هر مطلبی دو روش هست:
روش اول - در این روش شخص ابتدا مطالعه می‌کند، اطلاعات می‌دهد،
تجزیه و تحلیل می‌کند بعد به نتیجه می‌رسد و آنها را بیان می‌کند.
روش دوم - برعکس روش اول نخست نتیجه بیان می‌شود، بعد به دادن اطلاعات
و تجزیه و تحلیل و استدلال و بررسی مسائلی که از طریق آنها نتایج به دست آمده است
پرداخته می‌شود.
در این مقاله برای وقوف به اهمیت و موقعیت امر پیشگیری از وقوع جرم و
اصلاح مجرمین روش اول را ترجیح داده‌ایم.
این مقاله از چهار مبحث ذیل تشکیل یافته است:

مبحث اول: در این قسمت به سیر تکوین مفهوم جرم و پیشگیری از وقوع آن پرداخته شده است. این مبحث که در حقیقت نگاهی گذرا و کلی به تاریخ حقوق کیفری است ما را در تحلیل موقعیت فعلی کمک می‌کند.

مبحث دوم: در این بخش نگاهی کلان به دیدگاه اسلام در خصوص پیشگیری از وقوع جرم نموده و آن را تجزیه و تحلیل کرده‌ایم. مقایسه دیدگاه‌های کیفری اسلام با مکاتب دیگر خصوصاً مکتب دفاع اجتماعی نوین بسیار آموزنده و راهگشاست.

مبحث سوم: در این مبحث با عنایت به فرایند تعامل عرف و قانون، به مشکلات ناشی از آن که در واقع از جمله موانع توفیق در امر پیشگیری از وقوع جرم محسوب می‌شود اشاره شده است.

مبحث چهارم: و بالاخره در خاتمه با یادآوری موقعیت امر پیشگیری از وقوع جرم و شیوه‌های اجرای آن در بعضی از کشورهای خارج، به جایگاه قانونی آن در جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌ایم.

و در انتهای آن بعضی از اقدامات صورت گرفته را خاطر نشان کرده‌ایم.

درآمد:

«امنیت» سنگ زیرین حیات فردی و اجتماعی هر ملت و کشوری محسوب می‌شود و در دنیای معاصر برای هیچ امری همانند آن اهتمام نمی‌ورزند و هزینه‌های هنگفتی صرف نمی‌کنند. بشر امروزی به خوبی واقف است که این اصل، اساس همه تحولات، خلاقیتها و پیشرفتهای همه‌جانبه و متوازن بوده و به میزان آسیب‌دیدگی آن زندگی از بیماری رخوت و جمود رنج می‌برد. بنابراین هر آن چیزی که مخل امنیت و آسایش عمومی تلقی می‌شود وصف مجرمانه پیدا می‌کند. از این رهگذر است که امروزه پدیده مجرمانه - ضدامنیتی - به مانند پدیده‌های دیگر اجتماعی نیازمند بررسیهای جدی و مداوم است.

باید در ابتدا نکته‌ای را خاطر نشان کرد و آن اینکه در مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسانه، نکته حایز اهمیتی وجود دارد از آنجا که مطالعات جرم‌شناسی و طرق پیشگیری از وقوع جرم مبتنی بر توسعه و تحقیقات بسیاری دیگر از علوم همانند، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، روان‌پزشکی، زیست‌شناسی، بوم‌شناسی، تاریخ، اقتصاد، آمار و... می‌باشد، ضعف در حوزه هر کدام از آنها به‌نوعی دامنگیر پژوهشهای جرم‌شناسی نیز می‌شود.

بی‌گمان تاکنون گامهای مؤثری در کشور ما در این خصوص برداشته شده‌است. در این مقال با استعانت از بعضی تجارب ارزشمند کشورهای دیگر چشم‌اندازی نیز به مسایل «واقعی» خودمان خواهیم داشت.

مبحث اول: ۱- سیر تکوین مفهوم جرم و پیشگیری از وقوع آن

۱-۲) برای درک مفهوم نوین پدیده جرم بهتر است کمی به عقب برگردیم. برای اجتناب از تطویل سخن و جهت درک مفهوم سنتی «جرم» و طریق مقابله با آن از بیان شیوا و رسای سالدانا^۴ کمک می‌گیریم.

به نظر این جرم‌شناس، در دستگاه عدالت همیشه مسأله‌یی به صورت ذیل مطرح می‌شود:

توپیی وجود دارد که اندازه دهانه آن صد میلی‌متر است و باید قدرت پرتابش تا حدود ۱۰ کیلومتر باشد برای چنین توپیی چه مقدار باروت لازم است؟

در این مسأله توپ «قانون»، اندازه دهانه توپ «جرم» باروت «مجازات» و پرتاب شونده «بزه‌کار» می‌باشد.^۵

بعضی نیز قضاوت به سبک کلاسیک را این‌گونه مورد انتقاد قرار داده‌اند: قضاوت به يك تئاتر می‌ماند که در آن، دادستان و وکیل مدافع نقشهای اساسی و اول و شهود نقشهای دوم را به‌عهده دارند. هیأت داوران، کارگردانان تئاتر می‌باشند

در وسط این صحنه «بزهکار» بدون آن که نقشی به او واگذار شده باشد و یا در این نمایش صاحب شخصیتی باشد به صورت یک گول بی شاخ دم و یک دیو وحشتناک و خطرناک ظاهر می شود که به طور مداوم هدف حملات گوناگون و حتی اهانت‌های دادستان قرار می گیرد.

بزهکار فقط برحسب جرمی که مرتکب شده است نامی دارد مثلاً اگر دست به دزدی زده به نام «دزد» اگر مرتکب قتل شده به نام «قاتل» اگر چاقوکشی کرده «چاقوکش» اگر ضربه و جرحی به وجود آورده به نام «ضارب» اگر اختلاس کرده به نام «مختلس»، اگر کلاهبرداری کرده به نام «کلاهبردار» اگر روسپی و لگردی است به نام «فاحشه و بدنام»، ... معرفی می شود و تحت همین عنوان از او گفتگو به عمل می آید.^۶

یافته‌های تجربی و اندوخته‌های علمی به ما نشان می دهد که این شیوه نگرش به جرم و مجازات تا چه اندازه می تواند مفسده‌انگیز باشد. پرواضح است که در دیدگاه فوق معیار انسانی و اجتماعی عمل مجرمانه و شخصیت مجرم و نیز شخصیت بزه دیده ملحوظ نمی شود. بلکه به شیوه‌ی جرمی، جرم منحصرأ به عنوان یک جوهر و ذات حقوقی تصور شده و مجازات همچون ضمانت اجرایی لازم و ضروری علیه نقض قاعده حقوقی تلقی می شود.^۷

۲-۲) زمانی که عوامل پدید آورنده جرم، اعم از شرایط خاص محیطی و ویژگی‌های فردی بزهکار و بزه دیده مورد توجه واقع نشود، سرکوبی معلول هر چقدر هم با خشونت صورت پذیرد حاصلی نخواهد داشت. اعمال مجازات‌های سنگین، جهت برچیدن جرم از جامعه بی گمان تفکری باطل است، چرا که مجرم تا حد زیادی محصول محیط خود است و یا این که نارساییهایی در جسم و فعالیت‌های جسمانی وی وجود دارد.

بریسودو و اریل^۸ در عبارت کوتاهی به زیبایی بیان می کند که:

«بزهکار یا مریض است و یا نادان، باید به درمان و آموزش او پرداخت نه

این‌که او را خفه کرد».^۹

به اعتقاد بکاریا سختی مجازات‌ها نه تنها با هدف پیشگیری از وقوع جرم مغایرت دارد بلکه حفظ تناسب میان جرم و مجازات را که امری ضروری است نیز از بین می‌برد.^{۱۰}

لوی برون نیز در این مورد می‌نویسد:

هیچ‌گاه خشونت زیاد مجازات‌ها در واقع به‌طور جدی از ظهور مجدد جرم

پیشگیری نکرده‌است.^{۱۱}

حضرت علی علیه‌السلام نیز بر این تفکر صحه گذاشته‌است ایشان در جمله‌یی

کوتاه به زیبایی می‌فرمایند:

«رب قول انقذ من صول»

غالباً گفتار ملایم، مؤثرتر از حمله و خشونت است.^{۱۲}

این باور در جوامع پیشرفته امری نسبتاً بدیهی به‌شمار می‌رود اما به‌نظر می‌رسد که در جامعه ما هنوز چندان جایگاهی ندارد. و این از عجایب جامعه ماست که تصور غالب عامه مردم غلبه تقدیر و سرنوشت بر خواست آدمی است.^{۱۳} اما در عین حال نگاهشان به مجرم چنان غضب‌آلود و بی‌رحمانه است که گویی فرشته‌یی آسمانی دستش را به گناه آلوده است.

(۲-۳) باری نگاه به تاریخ گذشته نشان می‌دهد عکس‌العمل آحاد مردم در مقابل بزه، تحمل کیفر برای تشفی خاطر زیان دیده و تنبیه فرد خاطی بوده‌است و توجه وافر به روحیات مجرم و اوضاع و احوالی که وی در حین ارتکاب جرم در آن قرار داشته نمی‌شد. با سپری شدن قرن‌ها به این منوال از عمر بشر، به تدریج این نکته به ذهن عده‌یی از محققان خطور کرد که تنها مجازات نمی‌تواند عامل بازدارنده مجرم از جرم و تخلف باشد بلکه باید تدابیر دیگری نیز اندیشید.^{۱۴}

۴-۲) با ظهور مکتب تحقیقی^{۱۵} تغییرات اساسی در نگرش به جرم و مجازات پدید آمد و مطالعات و تحقیقات از مفهوم انتزاعی «جرم» به سمت و سوی «مجرم» و محیط پیرامون وی گرایش پیدا کرد. طرفداران مکتب تحقیقی علل ارتکاب جرم را در بی‌تناسبی جسمی، روانی و اکتسابی بزهکار جستجو می‌کردند و بزهکار را محصول اختلاط و ترکیب عوامل درونی^{۱۶} مانند عوارض ناشی از اختلال دماغی و ساختمان بدنی و ژنتیکی و روانی چون صرع، جنون حالات نوروز و عوامل ناشی از سن و غیره و همچنین عوامل بیرونی^{۱۷} شامل عوارض نامساعد محیط طبیعی، آب و هوا، منطقه، خانواده، مدرسه، محل کار معاشرین و وضع بد اقتصادی و اجتماعی بزهکار می‌دانستند.^{۱۸}

۵-۲) در اوایل قرن بیستم تحت تأثیر افکار و عقاید مکتب تحقیقی حقوق جزا و مکتب اصالت عمل جزایی به‌ویژه نظریه ادولف پرنیس و گسترش افکار بشر دوستانه، در حقوق جزا نیز تحولاتی متناسب با زمان و پیشرفتهای جامعه به‌وجود آمد.

در این زمان، حقوقدانان کیفری و جرم‌شناسان، مجازات بزهکاران را از بعد دیگری مورد توجه قرار دادند و به تدریج اندیشه جایگزینی و دسترسی به نظام حقوقی متکی به شیوه‌های جدید پیشگیری از جرم و دفاع اجتماعی و اصلاح بزهکاران اوج گرفت. این فکر با کوشش آقای فیلیپوگراماتیکا^{۱۹} تحقق یافت.^{۲۰}

به‌نظر گراماتیکا برای این‌که حقوق جزا جای خود را به حقوق دفاع اجتماعی بدهد و نیز آشتی دادن میان فرد و جامعه و رفع بسیاری از حالات ضداجتماعی، جامعه و دولت باید اقدامهایی از قبیل برطرف نمودن عوامل و شرایط باعث ناسازگاری فرد با جامعه، پافشاری بر اقدامات پیشگیری‌کننده به جای مجازات بزهکاران، توجه به شخصیت بزهکار در اعمال اقدامات دفاع اجتماعی و همچنین جایگزینی سیستم حقوق دفاع اجتماعی به جای حقوق جزای فعلی، انجام دهند.^{۲۱}

۶-۲) عقاید و افکار افراطی گراماتیکا، به‌ویژه در مورد مخالفت با سیستم حقوق

جزا و موضوعات اصلی آن نه تنها مورد قبول همگان واقع نشد، بلکه حتی برخی از طرفداران خود این مکتب نیز از آن انتقاد کردند و بالاخره به رهبری مارک آنسل^{۲۲}، مکتب معتدل «دفاع اجتماعی نوین»^{۲۳} پایه‌گذاری شد.

مارک آنسل برخلاف گراماتیکا با به‌کار بردن اصطلاح «جرم» مخالفتی ندارد و مسؤلیت بزهکار را به‌عنوان يك واقعیت درونی و اجتماعی می‌پذیرد و هرگز حق مجازات را نفی نمی‌کند در عین حال در سیاست کیفری دفاع اجتماعی نوین، حمایت از فرد در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد. بنابراین برای رسیدگی و محاکمه باید هم «عمل ارتكابی مجرمانه» و هم خصوصیات واقعی شخص بزهکار مورد شناسایی دقیق قرار گیرد تا بتوان مناسبترین تدابیر قضایی را درباره او اتخاذ نمود. به‌همین دلیل مکتب دفاع اجتماعی پیشنهاد می‌کند در هر محاکمه‌یی، علاوه بر پرونده قضایی، پرونده دیگری نیز وجود داشته باشد که حاوی خصوصیات بدنی و روانی و زیست‌شناسی و اجتماعی بزهکار باشد.^{۲۴}

می‌بینیم اگر در مکتب کلاسیک که مجرم بیش از هر چیز از راه کیفر خطای خود اصلاح می‌شود مکتب دفاع اجتماعی مصممانه متوجه آینده است و می‌خواهد که از مقصّر انسان جدیدی بسازد مبراً از عیوب سابق و سایقهای ضداجتماعی.^{۲۵}

مکتب دفاع اجتماعی، بزهکار را موجودی می‌بیند که از مرتبه اجتماعی خویش فروافتاده و بهتر است تا آنجا که ممکن باشد کوشید تا او را در اجتماع به مقام سالم پیشین خود بازگرداند.^{۲۶}

به‌نظر می‌رسد دیدگاههای مکتب دفاع اجتماعی نوین به دیدگاههای دین مبین اسلام در امر جرم و نحوه پیشگیری از آن نزدیک باشد. بنابراین در قسمت بعدی بحث را به دیدگاههای کیفری دین اسلام اختصاص می‌دهیم تطبیق این دو نظام قطعاً مفید فایده خواهد بود.

مبحث دوم: ۲- پیشگیری از وقوع جرم از دیدگاه اسلام

(۱-۲) متأسفانه اسلام سالیان درازی در حاشیه تحولات گسترده و متنوع جوامع قرار گرفت و از حضورش در عرصه‌های مختلف جامعه کاسته شد به طوری که مردم ارتباط جدی و عملی خود را با دین در عرصه‌های مختلف زندگی تقریباً از دست دادند. لذا جای شگفتی نیست که الان در همه رشته‌ها حتی در رشته‌های علوم انسانی عمده نظریه‌ها و اندیشه‌های مطرح در جامعه ما، از نظریه پردازان غربی است و در نتیجه به طور طبیعی دستاوردهای تمدن غربی نیز از هر طرف زندگی ما را در میان گرفته است. در این مقال بحث بر سر سنّت و تجدد که در صد سال اخیر رونق چشمگیری یافته است نیست ولی نکته قابل توجه این است که لازمه بسط اجتماعی و خیزش تمدنی، شناخت جغرافیایی تاریخی و فرهنگی است، اگر ما عناصر اصیل و برجسته فرهنگی اعم از دینی و ملی خود را کشف و استخراج نکنیم حتی قادر خواهیم بود پیوند عمیق و درونی با تمدنی که از هر طرف با دستاوردهایش ما را محاصره کرده است برقرار کنیم و معنی این ناتوانی یعنی مستعمره ابدی کشورهای پیشرفته.^{۲۶}

(۲-۲) نگرشهای تازه علمی و انسانی در زمینه جرم و طرق پیشگیری از آن در قالب مکتب دفاع اجتماعی نوین به نحو اختصار یادآوری شد. پرواضح است که این یافته‌های ارزشمند در جامعه ما چندان رونقی ندارد. این در حالی است که دیدگاههای دین اسلام به این مکتب به مراتب نسبت به مکتب کلاسیک حقوق جزا نزدیکتر است. البته نظرات اسلام را باید در جای خود به شکل نظام مند بحث کرد. اما در این فرصت، بسیار موجز و مختصر به بعضی از آموزه‌های مطرح آن اشاره می‌شود به این امید که بی جهت نسبت به عاداتهایمان اصرار نوزیم و با تجارب گرانقدر بشر امروزی احساس بیگانگی نکنیم.

(۳-۲) اصولاً دین اسلام به پیشگیری بیش از اصلاح اهتمام دارد و به همین خاطر قبل از هر چیز به عوامل به وجود آورنده و زمینه‌های گناه و جرم توجه کرده و برای

مقابله آنها با واقع بینی تمام چاره اندیشی نموده است. شاید فربه ترین بخش اسلام همین بعد باشد. در این مقال به دو محور از تدابیر پیشگیری کننده از جرم و گناه اکتفا می کنیم:

۲-۳-۱) اسلام با توجه به جهان بینی الهی و توحید خود، به هستی معنی می بخشد و در نتیجه به زندگی هدف و نشاط داده و در نهایت به انسان آرامش و به جامعه آسایش می دهد. اسلام آگاهی، علم و تفکر را که مایه اساسی هر نوع پیشرفت و سعادت است بی حد می ستاید و از جهل و ناتوانی که مایه اساسی بدبختی و گناه و جرم می باشد نهی می کند. به امر رعایت بهداشت و نظافت عنایت ویژه ای داشته و برای سلامت روح و روان نیز راه های بهتری توصیه کرده است. گذشت و مهربانی، صبوری، حق شناسی و سپاسگزاری، نگاه داشتن حرمت دیگران، عدل و احسان، برابری و برادری را توصیه و از نفاق و ریا و دروغ و افترا و تحقیر به شدت بی زاری می جوید. همه را در مقابل هم مسؤول شمرده و بی اعتنایی به دیگران را به شدت تقبیح نموده است. به صراحت اعلام کرده است که هر کار ریز و درشت را ثبت نموده و عمل هیچ کسی را ضایع نمی کند.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: **بعثت لاتمم مکارم الاخلاق.**

این اخلاق و فرهنگ عظیم دینی، به واقع پشتوانه غنی و مطمئنی است که جامعه را از بسیاری امراض و انحرافات مصون می دارد. البته اگر علماء، دانشمندان، نویسندگان، هنرمندان و... این سرمایه بی پایان را جدی گرفته و با استفاده از ابزارهای نوین تبلیغی مردم را دائماً متذکر و هدایت نمایند.

ریموندگسن، محقق هوشمند جرم شناسی که حتی عقایدش را بعد از تحقیق روشمند و علمی، با احتیاط و وسواس بیان می کند، در این زمینه می نویسد:

سیستمهای گوناگون کنترل غیر کبفری نقشی متغیر اما مسلم در امر

پیشگیری از تبهکاری و تکرار جرم دارند. ۲۷

وی همچنین معتقد است سیاست نوین جنایی که متمرکز در پیشگیریهای ثانویه است به طور قطع اثر بسیار محدود کننده‌یی بر روی تبهکاران دارد.^{۲۸}

ترویج دستورات اخلاقی اسلام و به کارگیری توصیه‌های آن در عرصه زندگی همان چیزی است که برانتینگهام و فاست (۱۹۷۶) از آن به عنوان پیشگیری اولیه یاد می‌کنند^{۲۹} و جالب است که اشتاین‌متز (۱۹۸۲) از اهمالی که در امر بازدارندگی عمومی و فردی شده‌است سخن می‌راند و اظهار تأسف می‌کند.^{۳۰}

اهتمام به عبادات فردی و جمعی مانند نمازهای یومیّه، روزه، حج، نماز جمعه، ماههای محرم و رمضان، مساجد و تکایا، آرامگاههای قدسی ائمه اطهار علیه‌السلام و بزرگان دین از جمله امکانات سنتی و تقریباً بی‌هزینه جامعه ماست که می‌توان در این راستا نهایت بهره را برد.

البته امکانات مدرن و به شدت مؤثر امروزی از قبیل صدا و سیما، مطبوعات، سینماها و سایر نهادهای فرهنگی و سیاسی نیز جای خود دارد که با برنامه‌ریزیهای اصولی می‌توان در جهت اهداف یادشده به خدمت گرفت.

۲-۲-۲) علاوه بر توصیه‌های مکرر فوق‌الذکر، نهاد مستقل دیگری نیز به نام امر به معروف و نهی از منکر توسط دین اسلام تأسیس شده‌است، تا عمل به فرامین اخلاقی را تضمین نموده و در عین حال از اصلاح جامعه نیز که شخص را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد غفلت نشود.

امر به معروف و نهی از منکر به معنای مسؤلیت فرد در قبال مردم و جامعه است و مبارزه با همه عوامل انحرافی و بیمارکننده و ضدترقی و سلامت را شامل می‌شود.

امر به معروف و نهی از منکر همانند نماز و روزه بر مسلمانان واجب است و البته تنها در دایره تنگ زندگی فردی و روابط معاشرتی یا اعمال انفرادی معنی نمی‌یابد.

اگر بتوانیم با توجه به وضعیت جوامع فعلی راهکارهای منطقی و کارآمدتری

برای انجام این واجب الهی پیدا کنیم، جامعه خود به خود و در سطحی وسیع و بسا با تخصیص هزینه‌یی به مراتب کمتر کنترل می‌شود و با این نظارت گسترده و عمومی، لغزشها و انحرافات به حداقل می‌رسد.

امر به معروف و نهی از منکر نیز در حقیقت يك سیستم کنترلی غیرکیفری محسوب می‌شود. در قانون اساسی به این امکان مهم جامعه توجه شده است^{۳۱} که البته باید سازوکار منطقی خود را بیابد وگرنه چه بسا عمل به این واجب الهی تأثیر مثبتی بر روند جامعه نگذارد.

۴-۲) علی‌رغم این‌که اسلام تمام مساعی خود را به کار می‌بندد و تمهیدات لازم را در بعد فردی و اجتماعی برای سلامت افراد و جامعه تدارک می‌بیند با این همه از اصلاح و بازپروری آن عده از افراد که احیاناً مرتکب جرم و گناه می‌شوند غافل نمانده است که اتفاقاً علمی‌ترین و انسانی‌ترین تدابیر را بعد از ارتکاب جرم مد نظر قرار داده است. اگر با دیدگاه جرم‌شناسانه و به همراه آموزه‌های مکتب دفاع اجتماعی تأملی در این باب بنماییم از دقت و ظرافت قوانین و مقررات این دین شگفت‌زده خواهیم شد.

برای جلوگیری از اطاله کلام تنها به یکی از نهادهای اصلاح و بازپروری مطرح شده در قرآن می‌پردازیم. نهادی که هر کس در هر سطحی که باشد با آن آشناست.

نهاد مزبور «توبه» است که موقعیتی بس ممتاز در فرهنگ ملی و دینی ما دارد.

در نظام توبه نکات ذیل در نگاه نخست خودنمایی می‌کند:

۱- خداوند متعال جرم را به عنوان يك واقعیت انسانی و اجتماعی پذیرفته است.

برجسته‌ترین قسمت قصه ابوالبشر حضرت آدم عصیان وی در مقابل حق تعالی است. خداوند از دیرباز آدم را مخاطب امر و نهی قرار داد ولی او به فراموشی سپرد و تحت عواملی نفسانی قرار گرفت ولی باز طولی نکشید که به خود آمد و زشتی طغیان را درک کرده با حال پشیمانی به خدا روی برد:

«پروردگارا ما بر خویشتن ستم روا داشتیم و اگر بر ما نبخشایی و ترحم

نکنی از زیانکاران خواهیم بود.»^{۳۲}

این کار هرگز ارزش آدم را در نظر خداوند نکاست:

«سپس ممتازش نموده و توبه‌اش را پذیرفت.»^{۳۳}

۲- خداوند مجرم را به صرف ارتکاب جرم از خود نمی‌راند:

«او خدایی است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و از زشتیها

درمی‌گذرد.»^{۳۴}

۳- خداوند کریم نمی‌گذارد مجرم به خاطر خطایش سرشکسته و تحقیرشود:

«همانا خدا توبه‌کنندگان و پاک‌شوندگان را دوست می‌دارد.»^{۳۵}

۴- انسان خطاکار را با وعده‌های نیکویش تشویق به بازگشت و اصلاح می‌کند:

«دسته دیگر کسانی هستند که هرگاه عمل زشتی انجام دهند یا بر خود

ستم روا دارند به یاد خدا افتاده و از گناهان خود استغفار می‌کنند...

پاداش آنان بخشایشی از جانب پروردگار و باغهایی است که از زیرشان

نهرها جاری می‌گردد و چه نیک است پاداش اهل عمل.»^{۳۶}

۵- خداوند متعال انسان مجرم را در هر سطحی که باشد قابل اصلاح و درمان

می‌داند و چراغ امید را در دل انسانها همیشه و در هر حال روشن نگه می‌دارد. چون

توبه استثناء برنمی‌دارد و شامل هر نوع گناه و به هر اندازه که باشد می‌شود.

«به بندگانم که به عصیان اسراف بر نفس خود کرده‌اند بگو هرگز از

رحمت بی‌انتهای خدا ناامید مباشید، البته خدا همه گناهان شما را

خواهدبخشید که او خدایی بسیار آمرزنده و مهربان است.»^{۳۷}

اهمیت این امر در آن است که چه بسا انسان در صورت ناامیدی، قید همه چیزهای

دیگر را نیز بزند و بیشتر از پیش در گناه و آلودگی غرق شود.

به عبارت دیگر قلمرو شمول توبه تا بدان حد است که فرد خاطی در هر صورت

خود را بیرون از لطف و محبت و آیین خداوند نمی‌داند و هیچ بهانه‌ای برای ناامیدی

ندارد. جالب است که در احادیث این مضمون مکرر آمده‌است که «ناامیدی بدتر از

کفر است».

۶- بعد از برگشت و اصلاح کاملاً از مجرم اعاده حیثیت می‌شود به طوری که خداوند کریم نه تنها سابقه اعمال او را به خاطر نمی‌سپارد بلکه آنها را به نیکی مبدل ساخته و کوچکترین لکه‌یی از گذشته برای او نمی‌گذارد.

«... خدا زشتیهای او را به نیکی مبدل می‌سازد و خداوند آمرزنده و

مهربان است.»^{۳۸}

اگر بیشتر از این تأمل کنیم لطایف و ظرایف دیگری نیز می‌توان از نظام توبه دریافت. لازم به یادآوری است که دین اسلام علی‌رغم آن همه التفات به امر پیشگیری و اصلاح و بازپروری، مجازات را نیز در موقع خود تجویز کرده‌است.

بدیهی است در نظامی که آن نگرش انسانی و علمی را در پیشگیری و اصلاح دارد و درخصوص قضاوت آن همه سخت‌گیری می‌کند و حتی برای قضات و یژگیهای مهمی را لازم می‌شمرد، قطعاً مجازات موردنظر آن مبنایی عالمانه، عادلانه و مصلحت‌گرایانه خواهدداشت. لذا نگرشهای جزمی و انتزاعی به احکام دینی با اسلام سازگاری ندارد.

اسلامی که در اصل يك بینش و روش است نه مجموعه مصادیق که مولود زمان و مکان هستند. استاد مطهری در این زمینه می‌نویسد:

«اسلام راه است نه منزل و توقفگاه.»^{۳۹}

مبحث سوم: ۳- مسایل پیشگیری از وقوع جرم در ایران

۱-۲) پیشگیری از وقوع جرم مستلزم شناخت خود «جرم» است، اولین وظیفه باید انجام تجزیه و تحلیل نظام مند جرم در جامعه باشد. چرا که جرم نمایانگر الگوهای مشخصی است که می‌تواند راهنمای مهمی برای پیشگیری از وقوع آن باشد.

در کشور ما نه تنها پژوهشهای روشمند و عالمانه جهت شناخت عوامل و مؤلفه‌های اجتماعی جرم‌زا بیش از پیش ضروری است بلکه اساساً برای تبیین مفهوم خود «جرم» باید اقدامهای اساسی صورت بگیرد. «جرم» برخلاف تصور بعضی،

مفهومی کاملاً غامض و مناقشه‌آمیز دارد، خصوصاً در جایی مانند ایران که به لحاظ مسایل اجتماعی اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در مسیر تحولات سریع و گسترده‌یی قرار گرفته است که البته این امر به طور طبیعی و ناخواسته کمیت و کیفیت قانونگذاری را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

(۲-۲) از لوازم قطعی و ضروری اقدام به پیشگیری از وقوع جرم اعتقاد داشتن به دو امر ذیل است:

(۱-۲-۲) جرم واقعی تصادفی نیست و علل پیش‌بینی‌ناپذیر ندارد.

(۲-۲-۳) جرم و مقابله با آن يك امر انتزاعی (مفهوم حقوقی محض) نبوده و با تغییر و تحولات گسترده و روزافزون جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد.

(۲-۲) قوانین يك جامعه اگر به جای پیروی از تجربیات زندگی تنها با اتکای به منطق ذهنی شکل بگیرند^{۴۰} چه بسا جامعه را با بحران «تورم جرم» مواجه سازند. براین اساس اهتمام به این امر که «حقوق ضرورتاً بر اندیشه جمعی بنا می‌شود»^{۴۱} فی الواقع تضمین اجرایی آن محسوب می‌شود چنان‌که لئون دوگی در این باره می‌نویسد:

عادات و رسوم اجتماعی، در صورتی به قاعده حقوقی تبدیل می‌شود که

وجدان عمومی تضمین آن را از نظر اجتماعی مشروع بدانند...^{۴۲}

بنابراین قواعد حقوقی و قوانین باید همچون آئینه، ارزشهای حقیقی جامعه را منعکس نماید در غیر این صورت جز خاصیت «جرم‌زایی» و «زدودن اهمیت اخلاقی رفتارها از اذهان عمومی» ارمغانی برای جامعه نخواهد داشت.

(۴-۳) حداقل در ایران هیچ تحقیقی صورت نگرفته است که نشان بدهد وقتی قانونگذار به عملی وصف مجرمانه می‌دهد آن عمل حقیقتاً تا چه اندازه در میان مردم قبیح و ناهنجار تلقی می‌شود، بویژه آن قوانینی که راجع به ارزشها و فرهنگ و معنویت هستند.

به نظر می‌رسد در جوامع امروزی که پدیده‌ها و نهادهای اجتماعی ارتباط ارگانیکی با هم پیدا می‌کنند نمی‌توان تعامل قانون و ارزشهای جامعه را بکلی منکرشد. خاصه در موقعیت فعلی که کشور ما در وضع «نیمه سنتی و نیمه مدرن» به سر می‌برد. نکته قابل توجه دیگر این‌که، اعتقاد به قرآن و سنت به عنوان اساسیترین منبع قانونی چه بسا جریان یک سویه‌ای را نیز در فرایند قانونگذاری به وجود آورد. لذا علاوه بر دلایل دیگری که در همه جوامع مشترکاً عامل پیچیدگی مفهوم جرم هستند در کشور ما مسایل ویژه‌ی نیز وجود دارد که افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داده و بالمآل به ابهام پدیده جرم بیش از پیش می‌افزاید به طوری که در وضعیت فعلی می‌تواند مانع اتخاذ تدابیر شفاف و عملی برای پیشگیری از وقوع جرم شود.

در این جا به بعضی از آنها به نحو اختصار اشاره می‌شود:

۳-۴-۱) به نظر می‌رسد مردم ما با مفهوم «گناه» بیشتر آشنا و مأنوس هستند تا با مفهوم «جرم» البته امروزه این دو مفهوم الزاماً منطبق بر هم نیست و علی‌رغم عنایت قانونگذار به این مطلب تفکیک علمی و دقیقی از این دو صورت نگرفته است. لذا ما مشکلات زیادی را در نظر و عمل به قانون داریم که در جای خود درخور تأمل است. شایان تأکید است از آن جا که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هر عمل خلاف قانونی در حکومت اسلامی خلاف شرع نیز تلقی شد، دیگر مفهوم گناه نیز در اذهان عمومی مانند گذشته چندان شفاف نیست.^{۴۳}

۳-۴-۲) مردم مسلمان ایران در کنار مسؤولیتی که در برابر قانون دارند به لحاظ شرعی در قبال اوامر و نواهی مراجع تقلید خود نیز مسؤول هستند. مراجعی که با استفاده از منابع شرع در ابواب مختلف مانند امور عبادی، سیاسی، اجتماعی، تجاری، حقوقی، کیفری و... نظر داشته و در رساله عملیه خود آن را بیان می‌کنند. می‌دانیم شورای نگهبان هیچ تعهدی ندارد که قانون را با همه فتاوی صادره هماهنگ کند و عملاً

نیز نه ممکن است و نه مطلوب. صرف‌نظر از این‌که در واقع امر تا چه اندازه مشکلات قابل توجهی بروز می‌کند فرض چنین ساختاری مانع شفافیت مفهوم «جرم» می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از وجوه تقسیم مسایل شرعی به فردی و حکومتی به قصد رفع چنین معضلی بوده‌است اما در این صورت ابهامات زیادی ایجاد می‌شود که این مقال محل طرح آنها نیست.

۲-۴-۲) عمل به اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که اجازه می‌دهد قاضی با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر کند^{۴۴} علاوه بر این‌که به اعتقاد بعضی از حقوقدانان اصل قانونی بودن جرم و مجازات را مخدوش می‌کند^{۴۵} احتمال این نیز می‌رود که عملی طبق فتوای مرجعی جرم محسوب شود در حالی‌که همان عمل مطابق فتوای مرجع دیگر جرم تلقی نشود.

خصوصاً راجع به امور مستحدثه که اختلافهای فراوانی در نظرات مراجع محترم مشهود است.^{۴۶}

۲-۴-۳) از منظر جامعه‌شناسانه، سخن از جرم سخن از «انسان» است و «جامعه». لذا اگر معرفت همه‌جانبه و نسبتاً شفاف از این دو مفهوم حاصل نشود و در عرف جامعه احساس و فهم مشترکی از اینها درک نگردد، بعید است که بتوان تعریف مشترک و واقعی از جرم در جامعه ارائه نمود. ایرانی همزمان در دو دنیای متفاوت «سنتی - مدرن» زندگی می‌کند و درون او نیز مانند محیط اجتماعی میدان کارزار این دو اقنوم نه چندان سازگار با هم می‌باشد. نمی‌توان منکر شد که مزید بر مشکلات اقتصادی و معیشتی موجود، «روزگار ما، روزگار نگرانیهای اجتماعی و اضطرابهای سیاسی و گیرودارهای مسلکی از یک سو و عصر درونکاو و آگاهی از خویشتن از سوی دیگر است».^{۴۷} و این یعنی مشوش شدن مرز باورها و به هم ریختگی هنجارهای اجتماعی. در چنین شرایطی هیچ‌کس به مانند یک عالم اجتماعی و جرم‌شناسی در نمی‌ماند و به هنگام سخن گفتن از «هنجار» و «جرم» دچار لکنت نمی‌شود.

۵-۳) همه ملتها الزاماً در زمان واحدی زندگی نمی‌کنند و البته رشد و سعادت آنها را نیز نباید تنها به میزان نزدیکی‌شان به زمان جاری (قرن بیستم) سنجید. هر ملتی برای رشد و شکوفایی خود ضرورتاً باید زمان واقعی خود را پیدا کند و از آن جایی شروع کند که حقیقتاً هست.

لذا با حفظ ارزش زحمات استادان و محققان ارجمند که در گمنامی و محرومیت، دستاوردهای ذی‌قیمت تمدنهای بشری را از طریق مختلف خاصه «ترجمه» وارد عرصه اندیشه میهن عزیزمان می‌کنند باید یادآور شد که تلاش بی‌شائبه آنها از آن جا که در داخل کشور به کمک تحقیق و پژوهش در راستای شناخت جامعه و انسان ایرانی حمایت نمی‌شود، مع‌الاسف عقیم مانده و چه بسا ناخواسته جامعه ما را به اتخاذ تدابیر انفعالی سوق می‌دهد.

مسلماً دستاوردهای بزرگ تمدن نوین، هر انسان منصفی را به احترام وامی‌دارد ولی نباید از این نکته غفلت کرد که يك سؤال مشترك در همه مكانها و زمانها الزاماً جواب واحدی نخواهد داشت. بنابراین چون بسیاری از مشکلات و معضلات ما در زمینه پدیده جرم به‌طور ماهوی فرق دارند لذا ما اغلب از تجارب و دستاوردهای دیگران در حد شکلی و روشی می‌توانیم بهره بگیریم.

انصاف این است که غنای دیگران و تحقیقات و پژوهشهای کشورهای پیشرفته هرگز خلاء علمی و تحقیقی ما را پر نخواهد کرد و اکتفا به ترجمه و آگاهی از اندوخته‌های دیگران گرهی از مشکلات فروبسته ما نخواهد گشود. اگرچه کم‌لطفی به تجارب دیگران و عدم استفاده از آنها را باید يك خسارت بزرگ ارزیابی نمود.

مبحث چهارم: ۴- موقعیت قانونی امر پیشگیری از وقوع جرم در ایران

۴-۱) پیشگیری از وقوع جرم از جهت خطامشی و از جهت عملی به سنتهای فرهنگی، سیاسی و فکری رایج بستگی دارد به همین دلیل نحوه پذیرش و مفهوم‌سازی

پیشگیری از وقوع جرم و در نتیجه روش برنامه‌ریزی، هماهنگی و اجرای سیاستهای مربوط در سطح ملی در کشورهای مختلف به نحو قابل ملاحظه‌یی متفاوت است.

۲-۴) در برخی از کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی مراجع وزارتی و یا شوراهای ملی پیشگیری از جرم با داشتن نمایندگانی از ارگانهای مختلف خصوصی و عمومی به ارائه، طراحی و هماهنگ‌سازی استراتژیهای پیشگیری از جرم مبادرت می‌نمایند. در کشورهای دیگر نیز مسئولیت پیشگیری از وقوع جرم عمدتاً بر عهده خود وزارتخانه‌ها، پلیس و یا دادستانی است.^{۴۸}

۲-۴) در برخی کشورها نیز، به ویژه کشورهای اروپای شرقی، وظایف مربوط به اجرای قانون پیشگیری از جرم به گونه اجتناب‌ناپذیری مرتبط با یکدیگر تلقی می‌شود بدین ترتیب دادگاهها نه تنها مسئول حل و فصل دعوی مطروحه‌اند بلکه مسئولیت شناخت و حل علل و عوامل ریشه‌یی برخی از جرائم خاص را نیز برعهده دارند. بنابراین به‌عنوان نمونه، در جایی که مجرمی مرتکب سرقت از محل کار شناخته‌شود دستورالعملی خطاب به کارفرمای مربوط صادر خواهد شد مبنی بر این‌که از وقوع دوباره سرقت در آن محل پیشگیری نماید. عدم رعایت چنین دستوری موجب مجازات کارفرما از سوی دادگاه خواهد شد. بدین سان دادگاهها به جای اتکای صرف بر اصل بازدارندگی عمومی، به نحو فعالانه‌یی سعی در دگرگون ساختن شرایط و موقعیتهایی دارند که به بروز رفتار مجرمانه کمک می‌کند.^{۴۹}

۴-۴) در برخی کشورها نیز پیشگیری از جرم بیش از آن‌که مربوط به اجرای قانون و نقش نظام عدالت کیفری باشد به نحو بسیار نزدیکتری مرتبط با سیاست اجتماعی و عمومی است.^{۵۰} به روشنی پیداست که ارتباط میان نظام عدالت کیفری و پیشگیری از جرم، ارتباطی پیچیده و متغیر است. آن‌چه که در نظام عدالت کیفری صورت می‌گیرد به نحوی غیرقابل اجتناب بر میزان جرایم ثبت شده و استراتژیهای پیشگیری از آنها، مؤثر واقع می‌شود و لذا تدابیر پیشگیرانه را می‌تواند به سمت

کسانی که قبلاً مرتکب جرم شده‌اند یا کسانی که در معرض ارتکاب جرم قرار دارند و یا کل جمعیت هدایت نماید.

۴-۵) اقدام مناسب جهت پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین طبق بند ۵ از اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله وظایف قوه قضائیه محسوب می‌شود. این مسئولیت که به واقع سخت سنگین و پیچیده است و در اهمیت آن همین بس که در صورت عدم موفقیت در این مسئولیت، اعتبار، حیثیت و کارآمدی یک نظام مخدوش می‌شود. علی‌رغم آن‌که در این زمینه تلاشهایی شروع شده‌است و ریاست محترم قوه قضائیه مسئولیت امر پیشگیری از وقوع جرم را از طریق مرکز تحقیقات قوه قضائیه پی می‌گیرند ولی به نظر می‌رسد به خاطر اهمیت فوق‌العاده این امر، پیش‌بینی معاونت پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین کارآمدتر باشد. در این صورت قوه قضائیه دارای مرجعی مشخص و با وظایف تعریف شده‌یی است که در مواقع ضروری پاسخگوی سؤالات و شبهات مطروحه در سطح جامعه می‌باشد.

۴-۶) در قانون اساسی تنها به تعبیر «اقدام مناسب جهت پیشگیری از وقوع جرم» بسنده شده‌است بی‌آن‌که به ماهیت «اقدام مناسب» و قلمرو اختیارات قوه قضائیه در این خصوص اشاره شود تعریف «اقدام مناسب» چندان سهل و آسان نیست، به اعتقاد ما برای تفسیر دقیق و عالمانه «اقدام مناسب» ضروری است در حال حاضر، هم‌زمان بر روی محورهای ذیل کار دقیق علمی و پژوهشی صورت پذیرد:

۴-۱۶) مطالعات منسجم بر روی مفهوم پدیده «جرم» در ایران اسلامی.

۴-۲۶) مطالعات وسیع میدانی در پهنای کشور بزرگ ایران جهت کشف و

استخراج عوامل و مؤلفه‌های اجتماعی جرم‌زا.

۴-۳۶) تحقیقات گسترده جهت کسب تجارب کشورهای دیگر در امر پیشگیری

از وقوع جرم.

۴-۶-۴) و بالاخره تدوین اصول سیاست جنایی نظام جمهوری اسلامی ایران. به نظر می‌رسد قبل از طی نسبی این مراحل، سخن گفتن از ماهیت و قلمرو «اقدام مناسب» چندان عالمانه نباشد و حتی ارزیابی علمی نظرات مطروحه دشوار است.

۴-۷) چندی پیش کمیسیونی طبق دستور مستقیم ریاست محترم قوه قضاییه مرکب از پنج نفر کارشناس مجرب تشکیل شد.^{۵۱} که در پاسخ به دستور ریاست محترم قوه قضاییه تفسیر مجملی از «اقدام مناسب» و «قلمرو اختیارات این قوه» ارائه کرده‌است که در این خصوص نکات ذیل قابل توجه است:

۴-۷-۱) با توجه به اهمیت امر پیشگیری از وقوع جرم و موقعیت والای این مسئولیت در تمامی نظامهای معتبر امروزی، این تفسیر که «هرگونه اقدامی که در مورد امر پیشگیری از وقوع جرم لازم باشد، قوای دیگر در اجرای آن وظایفی را متحمل گردند دخالت در سایر قوا نخواهد بود» کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. چرا که انجام این وظیفه سنگین در کشور ما متولی دیگری ندارد.^{۵۲}

خصوصاً که ممکن است دولت و یا نهادهای دیگر غیردولتی از اثرات بالقوه جرم‌زای سیاستهای خود آگاه نباشند، لذا برای به حداقل رسانیدن این‌گونه تأثیرات، نظارتی از دید سیاست جنایی منطقی و ضروری به نظر می‌رسد. شاید «نظارت بر حسن اجرای قوانین»^{۵۳} را بتوان از این زاویه نیز تعریف نمود و یا لاقلاً یکی از وجوه این نظارت برشمرد.

۴-۷-۲) با این‌که کمیسیون مزبور نکات عملی مهم و در جای خود ارزشمندی را متذکر شده‌است ولی اگر ما بخواهیم در چارچوب تعریفی که امروزه از «سیاست جنایی» می‌کنند این نکات را ارزیابی کنیم گفتنی است اینها فقط در تعریف مضیق سیاست جنایی^{۵۴} که همان سیاست کیفری باشد می‌گنجد.

امروزه رعایت این نکات گرچه برای دستگاه قضایی امری ضروری است ولی

اكتفا به این موارد حتی اگر به نحو احسن هم انجام شوند کاهش نرخ جرایم را ضمانت نخواهد کرد. ریموندگسن بعد از تحقیقات زیادی در این مورد چنین اظهار عقیده کرده است:

«روی هم رفته به طور قطعی آشکار شد که ضمانت اجرای کیفری اثر ناچیزی دارند و واقعاً نمی‌توانند نقش اختصاصی خود را در پرهیز از تبه‌کاری ایفا کنند و بدین ترتیب عنصر مهمی برای سیاست جنایی محسوب نمی‌شوند».^{۵۵}

۸-۴) در خاتمه قابل ذکر است که هم‌اکنون مرکز تحقیقات قوه قضاییه از طرف ریاست محترم قوه قضاییه موظف شده است که در رابطه با موضوعات متعددی که در ذیل به بعضی از آنها اشاره می‌شود برنامه‌ریزی و تحقیق نماید.^{۵۶}

۱-۸-۴) بررسی نحوه پیشگیری از وقوع جرایمی که مطالعات آماری، افزایش آنها را نشان می‌دهد.

۲-۸-۴) مطالعات و تحقیقات و تهیه طرح و برنامه در رابطه با پیشگیری از وقوع جرم.

۳-۸-۴) هماهنگی با مسئولان سازمانها، نهادها و کلیه مراکزی که به نحوی در رابطه با امور پیشگیری از وقوع جرم دخالت دارند.

۴-۸-۴) مطالعه و بررسی درباره رابطه جنون و میزان خطرناکی از حالت‌های خطرناک افراد در جامعه و بررسی امکانات دفاع اجتماعی در مقابل حالت‌های خطرناک، موضوع قانون اقدامات تأمینی و ارائه راه‌حلهای مناسب.

۵-۸-۴) بررسی و تعیین میزان استفاده مأموران کشف جرم در به‌کارگیری روش‌های علمی کشف جرائم و بررسی امکانات آن و ارائه راه‌حلهای مناسب در این زمینه.

که البته در همه این زمینه‌ها، طرح‌های مختلفی در حال اجراست در عین حال در اجرای توصیه دیگری از سوی ریاست محترم قوه، درخصوص انجام اقدامات موردی جهت پیشگیری از وقوع جرم، مرکز تحقیقات قوه قضاییه قم اقدامات قابل ملاحظه‌یی انجام داده‌است. توجه ویژه حضرت آیت‌الله یزدی ریاست محترم قوه قضاییه به این امور فی نفسه امری مبارک و درخور تجلیل است و امروز فرصت مغتنمی برای مرکز تحقیقات قوه قضاییه حاصل شده‌است که می‌تواند گام‌های اصولی و ریشه‌یی در این مسیر بردارد، لذا در این‌جا دست یاری به سوی همه صاحب‌نظران، اندیشمندان و محققان دراز کرده و از هرگونه پیشنهاد و انتقاد سازنده، صمیمانه استقبال می‌کنیم.

والله ولی التوفیق

یادداشت‌ها

- ۱- سوره مائده / ۳۱
- ۲- تحف العقول / ۱۱۹
- ۳- ژان پرادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، ص ۱۴
- ۴- Saldana
- ۵- مظلومان، رضا، جرم‌شناسی کلیات، چاپ دوم، ص ۱
- ۶- مأخذ پیشین، ص ۲
- ۷- مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر آشوری و دکتر نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، ص ۵۹

Brissot de warrille_۸

- ۹- لوی برول، حقوق و جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، ص ۱۵
- ۱۰- بکاریا، رساله جرایم مجازات‌ها، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، به نقل از کتاب حقوق جزای عمومی دکتر محمدصالح ولیدی، ج اول ص ۲۱۹
- ۱۱- لوی برول، حقوق و جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، ص ۲۰
- ۱۲- نهج البلاغه / ۱۱۶۴ به نقل از مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۱، ص ۱۱۲
- ۱۳- البته این تصور با دین اسلام سازگاری ندارد، ولی به عللی عامه مردم ایران از چنین تصویری با شدت و ضعف برخوردارند.

- ۱۴- قاسمی، ناصر، اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، ص ۱۱
- ۱۵- با انتشارات کتاب انسان بزهکار در سال ۱۸۷۶ توسط لمبروزو ایتالیایی

Facteurs Endogenes_۱۶

Facteurs Exogenes_۱۷

- ۱۸- ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای عمومی، ج اول، ص ۲۶۸

Gramatica_۱۹

- ۲۰- ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای عمومی، ج اول، ص ۲۸۰

۲۱- همان، ص ۲۸۴

MARC ANCEL (1985)_۲۲

la Defense Sociale Nouvelle_۲۳

- ۲۴- ولیدی، محمدصالح، همان، ص ۲۸۶

- ۲۵- لوی برول، حقوق و جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، ص ۳۲

۲۶- همان، ص ۲۰

- ۲۷- ریموند گسن، جرم‌شناسی نظری، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، ص ۱۴۰

۲۸- همان، ص ۱۲۷

۲۹- جان گراهام، استراتژیهای پیشگیری از جرم در اروپا و آمریکای شمالی،

ترجمه مؤسسه جرم‌شناسی، ج اول، ص ۱۱

۳۰- همان، ص ۸

۳۱- اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۳۲- عنکبوت / ۲۵

۳۳- بقره / ۲۳۸

۳۴- انعام / ۱۰۲

۳۵- بقره / ۲۲۲

۳۶- عنکبوت / ۵۸ و ۵۹

۳۷- زمر / ۵۳

۳۸- یونس / ۱۰۸

۳۹- شهید مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضات زمان، ص ۱۶

۴۰- ژرژ گورویچ، حقوق و جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، ص ۱۰۰

۴۱- ژرژ گورویچ، همان، ص ۹۴

۴۲- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، ج اول، ص ۱۵

۴۳- فی‌المثل در شهرستان مرزی سلماس، بسیاری از جوانان متدین و بازاریان

متشرع به این نکته اشارت داشتند. چرا که بارها تجربه کرده‌اند ورود يك کالا مدتی

قاچاق و غیرقانونی و در نتیجه خلاف شرع محسوب می‌شود و بعد از مدتی بنا

به مصالحی ورود همان کالا آزاد می‌گردد و یا این‌که ورود کالایی ممنوعیت قانونی

دارد ولی فروش آن در بازار آزاد است.

در این خصوص موارد زیادی می‌توان شاهد آورد که حتی در شهرهای دور از مرز را نیز با چنین شبیهاتی مواجه کرده‌است.

۴۴- این اصل قانون اساسی در مقام عمل سئوالات فراوانی را برمی‌انگیزد، ما در مقاله علل و عوامل اطاله دادرسی که در مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه تهیه شده‌است ابهامات موجود در این اصل را گوشزد کرده‌ایم

۴۵- آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، ج اول، ص ۱۳

۴۶- استفتائاتی که در این سالهای اخیر در رابطه با مسایل مختلف حقوقی و کیفری از مراجع عظام شده‌است گویای روشن از این امر است.

۴۷- فولادوند، عزت‌الله، آگاهی و جامعه (ترجمه) چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۸

۴۸- جان گرهام، همان، ص ۸

۴۹- همان، ص ۱۰ - ۹

۵۰- همان ص ۱۰

۵۱- در هامش‌نامه ۲۰۳۶ م، د- ۷۵/۳/۱۶ دفتر پیشگیری از وقوع جرم این دستور قید شده‌است.

۵۲- پیشگیری از وقوع جرم که در بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی (مصوب ۲۷ تیر ۱۳۶۹) آمده‌است به تصریح همان قانون نیروی انتظامی به‌عنوان ضابط قوه قضائیه عمل می‌می‌کند.

۵۳- بند ۴ از اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۵۴- کریستین لازرژ، سیاک جنایی، ترجمه دکتر علی‌حسین نجفی ابرنآبادی،

ص ۹

۵۵- ریموند گسن، جرم‌شناسی نظری، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، ص ۱۳۶

۵۶- برابر نامه ۶۴۳۰/م.ق- ۷۵/۱۰/۳۰